

ما را به دم پیر نگه نتوان داشت  
در خانه دلگیر نگه نتوان داشت  
آن را که سر زلف چو زنجیر بود  
در خانه به زنجیر نگه نتوان داشت



### تقلید حکومت اسلامی از حجاب زنان قبل از اسلام!

هنوز صدای شعارهای زنان و مردان ایران، مبنی بر خواست «حجاب اختیاری» به جای «حجاب اجباری»، در کمپین های انتخاباتی گم نشده، که طرفداران بی چون وچرای حجاب اجباری دوباره در حکومت اسلامی به راه افتاده اند تا از یکسو به یاد مردمان بیاورند که: «آن حرف ها مال زمان قبل از انتخابات بود و دوباره یا روسری و یا توسری» و، از سوی دیگر، با دادن اطلاعات کاملاً غلط در مورد تاریخ و فرهنگ ایرانی، به مردم خودمان بگویند که «حجاب فقط به دوران پس از حمله ی اعراب به ایران مربوط نیست و متعلق به کل تاریخ ایرانیان و از سنت های کهن ما است»! و در عین حال به مردم دنیا و آن دسته از کسانی که تحت عنوان «نسبیت فرهنگی» به تبعیض بین انسان ها در شرق و غرب معتقدند بفهمانند که حجاب اجباری جزو فرهنگ ما است».



در هفته گذشته خانم اشرف یوسفی، کارشناس امور بانوان اداره ی کل تبلیغات اسلامی استان قم، ضمن این که اعلام کرده است که به زودی طرح «اجرای حجاب و عفاف همزمان با ۱۰ استان کشور در قم برگزار خواهد شد»، بدون آن که کلمه ای از ارتباط اسلام و حجاب سخن بگوید، تاکید کرده که اجرای این طرح برای «حفظ و تقویت فرهنگ و هویت ایرانی و ارج نهادن به ترویج الگوهای بومی و ملی» است. مهمترین بخش طرح مزبور که در این ده استان اجرا می شود عبارت است از اینکه آخرین مدها {ی قم} برای چادر و مانتو به وسیله ی تولید کنندگان و عرضه کنندگان عرضه شود.

ایشان در ضمن فرموده اند که: «از انتخاب و مصرف الگوهای بیگانه و غیرمانوس با فرهنگ و هویت ایرانی» باید پرهیز شود؛ و برای این که ثابت کنند حجاب اجباری مربوط به فرهنگ ایرانی است (و حتماً فردا هم خواهند گفت که اصلاً حجاب اجباری ربطی به اسلام ندارد و اسلام هم آن را از ایران گرفته است)، دست به تاریخ شناسی و دروغ گویی بزرگ (یا به زبان خودشان، مصلحتی) زده و گفته اند: «در میان اقوام و تمدن های عهد کهن، پوشش زن ایرانی در مقایسه با پوشش تمدن های دیگر، کامل تر بوده است. از این رو، در هیچ کتیبه و نقش برجسته ای نمی توان زن ایرانی را حتی با سر برهنه مشاهده کرد».



بنظر می‌رسد که ایشان واقعاً نمی‌دانند که اگر نقش برجسته‌ای از زنان بدون حجاب در ایران باقی‌مانده دلیل‌اش آن است که، به گفته‌ی تاریخ‌شناسان حتی مسلمان، همه‌ی آنها را در جریان حمله‌ی اعراب به ایران و در دوران پایه‌گیری تشیع در زمان صفویه شکسته‌اند و البته باقیمانده‌ی آنها را هم در دوران آقایان احمدی‌نژاد و رحیم‌مشایی یا رنگ‌پاشی یا تخریب و یا خارج کردن‌شان از موزه‌ها و محوطه‌های باستانی و فرستادن‌شان به خارج کشور و فروختن‌شان به موزه‌های خصوصی و عمومی کشورهای «کافر» از انظار عمومی در ایران به دور کرده‌اند.

با این حال، خوشبختانه و همچنان، هر محوطه‌ی تاریخی که شکافته و باز می‌شود نشان از زنانی دارد که اصلاً نمی‌دانسته‌اند حجاب چیست و بچه‌کاری می‌آید. در این میان فکر می‌کنم که باید از این موسسات ریز و درشت تبلیغات اسلامی و گردانندگانش پرسید: «شما به گذشته‌ی ایران چه کار دارید؟ چرا به اکنون نگاه نمی‌کنید و نمی‌بینید که میلیون‌ها زن ایرانی مشکل اجباری بودن پوشش‌هایی را دارند که دوست ندارند و، دور از چشم شما و پاسداران و قداره‌کشان‌تان، از این پوشش استفاده نمی‌کنند؛ همان‌ها که اکنون در سراسر جهان به خیابان‌ها آمده‌اند و درد حجاب اجباری را هم نه تنها به عنوان فرهنگی غیرخودی، که به عنوان رفتاری ناقض حقوق بشری، چون دردهای دیگر سرزمین‌مان، فریاد می‌کنند

هفتم جولای ۲۰۰۹

[shokoohmirzadegi@gmail.com](mailto:shokoohmirzadegi@gmail.com)

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi/>